ال‌کلاسیکوی سرنوشت‌ساز در راه است

پرسش‌های بی‌پایان

یادداشت

اندی وست

۱۳ بازی به پایان فصل لالیگا مانده و بارسلونا با دو امتیاز بیشتر از رئال مادرید بر صدر جدول تکیه زده است. نبرد قهرمانی در لالیگا پیچیده‌ترین حالت خود در چند سال اخیر را دارد و ال‌کلاسیکو فردا در برنابئو می‌تواند سرنوشت قهرمان لیگ را مشخص کند.

هیچ‌کدام از این دو تیم در این فصل متقاعدکننده ظاهر نشده‌اند. هر دو تیم با بحران مصدومیت روبه‌رو بوده‌اند و رئال مادرید هم حالا در مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان در خانه خود برابر منچسترسیتی شکست خورده و باید آن را در بازی برگشت جبران کند. به این ترتیب درباره نتیجه این بازی نمی‌توان چندان با قطعیت صحبت کرد، جز اینکه نبردی حساس و نزدیک پیش رو خواهد بود اما برخی ماجراهای این بازی به این ترتیب هستند.

آیا بنزما می‌تواند رهبر خط حمله رئال باشد؟

یکی از نکات مهم این فصل رئال مادرید این است که آنها در مقابل دروازه رقیبان دچار مشکل هستند. این مشکل خود را در شکست یک بر صفر مقابل لوانته میانه جدولی در هفته گذشته نشان داد. این هشتمین بازی رئال در این فصل بود که آنها نتوانستند گل بزنند.

کریم بنزما در اوایل فصل تقریباً یک‌تنه بار گلزنی تیم را به دوش می‌کشید. این بازیکن فرانسوی در ۱۶ بازی اول لیگ ۱۳ گل به ثمر رساند و ضعف‌های کلی رئال در محوطه جریمه حریفان را پوشش داد.

اما بنزما از کریسمس تاکنون تنها یک گل در لیگ زده است که البته گل مهمی بود و باعث شد رئال مادرید در دربی مقابل اتلتیکو پیروز شود. هیچ‌کدام از مهاجمان دیگر تیم نتوانسته‌اند نقش مهمی ایفا کنند.

آماری حیرت‌انگیز نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن ضربات پنالتی، هیچ‌کدام از بازیکنان رئال مادرید به جز بنزما نتوانسته‌اند بیش از سه گل در لیگ به ثمر برسانند. سرخیو راموس با پنج گل دومین گلزن برتر رئال است که البته سه گل او از روی نقطه پنالتی بوده است.

با صراحت باید گفت که مهاجمان تیم فصل بسیار بدی را در مقابل دروازه حریفان پشت سر می‌گذارند. گرت بیل (دو گل در لیگ)، ادن آزار (۱)، لوکا یوویچ (۲)، رودریگو (۲) و وینیسیوس جونیور (۱)، همه به‌شدت پایین‌تر از انتظار ظاهر شده‌اند و به این ترتیب رئال اتکای زیادی به قابلیت گلزنی هافبک‌هایش مانند تونی کروس و فده والورده (و البته مدافعی چون راموس) پیدا کرده است.

البته تا حدی می‌توان مشکل مهاجمان رئال را مصدومیت دانست. شکست هفته گذشته مقابل لوانته خبر بد دیگری هم برای رئال به همراه داشت که مصدومیت دوباره آزار بود. او سه ماه دور از میادین بود و تازه دومین بازی‌اش در بازگشت به میادین را انجام می‌داد. او در حالی زمین را ترک کرد که مچ پایش ترک خورده بود و احتمالاً تا پایان فصل دیگر نمی‌تواند بازی کند.

تیم زین‌الدین زیدان در دوره اول مربیگری او اغلب نمی‌توانست فوتبالی یکنواخت را به نمایش بگذارد اما در زمینه گلزنی هرگز مشکل نداشت که البته تا حد زیادی به دلیل حضور کریستیانو رونالدو بود اما آنها حالا با آن تیم بسیار تفاوت دارند. تیم فعلی می‌تواند الگوهای پاس زیبایی را در زمین به نمایش بگذارد اما معمولاً در هنگامی که باید ضربه نهایی را بزند، ناکام می‌ماند.

گزینه‌های بارسلونا

بارسلونا دو مدافع کناری اصلی خود را در اختیار ندارد و سرخی روبرتو و جوردی آلبا مصدوم هستند. جای این دو نفر را دو مدافع نه چندان درخشان می‌گیرند: نلسون سمدو و جونیور فیرپو. همچنین مشخص نیست جرارد پیکه به این مسابقه برسد، چرا که او در جریان بازی با ناپولی در لیگ قهرمانان از مچ پا آسیب دید.

اما کیکه ستین، مربی جدید بارسلونا، گزینه‌های زیادی برای حمایت از لیونل مسی در خط حمله دارد. مسی در این فصل بار دیگر بار تیم را به دوش کشیده و در لالیگا توانسته آمار خیره‌کننده ۱۸ گل و ۱۲ پاس گل را داشته باشد.

ستین برابر ناپولی در میانه هفته ترجیح داد که مسی و آنتوان گریزمان را در خط حمله به کار بگیرد و خط میانی تیم را با چهار بازیکن پر کند: سرخیو بوسکتس، ایوان راکیتیچ، فرنکی دیونگ و آرتورو ویدال.

او شاید در این بازی هم دست به کاری مشابه بزند اما در هر حال گزینه‌های جذابی پیش روی او هستند. اول اینکه آنسو فاتی، ستاره نوجوان بارسا عرض را به بازی این تیم می‌آورد. او گلزن است و حرکاتش هم غیر قابل پیش‌بینی است. حضور او باعث می‌شود بعد تازه‌ای به خط حمله تیم اضافه شود.

اما یک گزینه بارسلونا در این بازی، مارتین بریت‌ویت، مهاجم سابق میدلزبورو است که در این تیم نتوانست جایی پیدا کند. او پس از مصدومیت شش ماهه عثمان دمبله به صورت اضطراری و خارج از پنجره نقل و انتقالات خریداری شد. بریت‌ویت مقابل آلاوس اولین بازی‌اش را انجام داد و شروع امیدوارکننده‌ای داشت. او در این بازی دو پاس گل آخر بارسلونا را داد. این مهاجم دانمارکی البته هنوز باید ثابت کند که می‌تواند تأثیری معنادار در لحظات حساس بازی‌ها بگذارد اما او سرعت بالایی دارد و بازی مستقیم او می‌تواند به کمک بارسلونا بیاید.

احتیاط یا ریسک؟

بازی دسامبر بین دو تیم اولین تساوی بدون گل در ال‌کلاسیکو پس از سال ۲۰۰۲ را رقم زد. بازی این هفته هم می‌تواند دیداری مشابه باشد و هر دو تیم با احتیاط در آن بازی کنند.

دو تیم تنها دو امتیاز اختلاف دارند و این بازی اهمیت بسیار بالایی پیدا کرده است. در لالیگا اگر دو تیم هم‌امتیاز شوند، اول نتیجه دیدار رودررو مهم خواهد بود و بعد از آن به تفاضل گل دو تیم اهمیت داده می‌شود. به این ترتیب، دیدار یکشنبه عملاً باعث می‌شود تیم برنده انگار یک امتیاز بیشتر کسب کرده باشد و به این ترتیب برای دو تیم دوری از شکست اهمیت بیشتری نسبت به پیروزی پیدا می‌کند.

یک پرسش تاکتیکی مهم این است که آیا زیدان و ستین به سراغ کنترل محتاطانه بازی خواهند رفت، یا اینکه ریسک می‌کنند و دست به حمله می‌زنند.

مربی بارسا باید انتخاب کند که چه بازیکنانی را کنار مسی و گریزمان قرار دهد و پرسش زیدان هم این است که چطور سیستم تهاجمی تیمش را حول بنزما شکل دهد.

گزینه آشکار زیدان بیل است، به‌ویژه که آزار هم غایب است اما این بازیکن ولزی در هفته‌های اخیر طوری بازی نکرده که حضورش در ترکیب ثابت توجیه‌پذیر باشد. وینیسیوس و لوکاس واسکس، دو بال رئال می‌توانند در این مسابقه به میدان بروند اما رودریگو به دلیل اخراج در بازی رئال مادرید کاستیا در این بازی غایب خواهد بود و نمی‌تواند بازی کند.

زیدان که عاشق تغییر در ترکیب تیم و غافلگیر کردن تماشاگران است، ممکن است مانند ستین رفتار کند و خط میانی تیمش را پر از بازیکن سازد. او کاسمیرو، کروس، والورده، ایسکو و لوکا مودریچ را دارد که همه آنها در هفته‌های گذشته آنقدر خوب کار کرده‌اند که حضورشان در خط میانی به جای استفاده از یک مهاجم اضافه توجیه داشته باشد.

ستین هم علاقه بسیاری به فوتبال مالکانه دارد. تیم او در برد خانگی مقابل گرانادا بیش از ۱۰۰۰ پاس داد و تأکید او روی بازیسازی از عقب باعث شد که در بازی برابر ختافه، مارک آندره تراشتگن، دروازه‌بان بارسا ۶۹ پاس بدهد.

بارسا می‌تواند در این بازی مالکیت توپ را در اختیار داشته باشد اما آیا آنها می‌توانند توپ‌های خوبی به مسی و گریزمان برسانند؟ این کلاسیکو پرسش‌های بسیاری را در پی دارد. پاسخ این پرسش‌ها می‌تواند سرنوشت قهرمانی این فصل لالیگا را رقم بزند.

آیا استعدادهای امروز، جای بزرگان تنیس را پر می‌کنند؟

پایان نسل طلایی

تنیس

سایمون بریگس

کیم کلایسترز ۳۶ ساله با بازگشت اخیرش از بازنشستگی، خلاف آب شنا کرد. ماریا شاراپووای ۳۳ ساله اعلام کرده اوپن استرالیای امسال آخرین تورنمنتش در تنیس بوده و به این ترتیب در میان مولتی میلیونرهایی که به تازگی از دنیای حرفه‌ای خداحافظی می‌کنند، به کارولاین ووزنیاکی ۲۹ ساله ملحق شد.

بله، خواهران ویلیامز همچنان ادامه می‌دهند اما تا کی؟ آیا واقعاً ونوس که از اوپن آمریکای شهریور گذشته از شش مسابقه پنج تایش را باخته می‌تواند تا حداکثر بعد از المپیک توکیو دوام بیاورد؟ سرنا همچنان به دنبال بیست و چهارمین قهرمانی‌اش در گرند اسلم‌ها است که از دستش فرار می‌کند. از ۱۰ نفر اول رنکینگ بهترین تنیسورهای زن جهان در حال حاضر شش نفر ۲۵ سال یا کمتر دارند و این یعنی وظیفه درخشش در تنیس به خوبی به نسل بعد منتقل شده اما آیا این مشکلی برای تنیس ایجاد نمی‌کند؟ نه لزوماً. امثال اشلی بارتی، نائومی اوزاکا و بیانکا آندرسکیو سرحال، پرشور و کاریزماتیک هستند ضمن اینکه کوکو گاف ۱۵ ساله به شکلی هواداران را جذب کرده که یاد جنیفر کاپریاتی در اوایل دهه ۹۰ میلادی افتاده‌اند.

با وجود این، وقتی کلایسترز هفته قبل در مسابقات دبی شرکت کرد و بازی برابری مقابل گاربینه موگوروسا به نمایش گذاشت، خیلی‌ها ابراز نگرانی کردند از اینکه سطح تنیس نسبت به نقطه اوج ۱۵ سال قبل کمی تنزل کرده.

در اواسط دهه اول قرن بیست و یکم، تنیس زنان چهار بزرگ واقعی داشت. سرنا و ونوس ویلیامز در اوج بودند و کلایسترز و ژوستین هنن مبارزشان بودند. برای بی‌طرف‌ها مایه تأسف بود که دو بلژیکی دچار مسائلی مثل آمادگی جسمانی و انگیزه شدند و به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ کنار رفتند. اگر آنها تا دهه چهارم زندگی‌شان به ورزش حرفه‌ای ادامه می‌دادند، سرنا در راه رسیدن به ۲۳ قهرمانی‌اش با مبارزات سخت‌تری مواجه می‌شد.

ماریون بارتولی که برای صعود به فینال سال ۲۰۰۷ ویمبلدون، هنن، زن شماره یک جهان را شکست داد، اخیراً به نکته جالبی در مورد آن دوران پرقدرت اشاره کرد. او به تنیس پادکست گفت: «وقتی در سال ۲۰۰۰ وارد مسابقات حرفه‌ای شدم، می‌دیدم مونیکا سلز هفت و نیم صبح تمرین می‌کند و سرنا هشت صبح. احساس می‌کردم اگر بخواهم شانسی برای پیروزی بر این دخترها داشته باشم باید همین کار را بکنم. وقتی بازنشسته شدم، احساس کردم بازیکنان جدید آن انگیزه و هیجان را ندارند، ۱۰ صبح یا ۱۱ یا ۱۲ می‌آمدند، روزی یک بار تمرین می‌کردند. زمان ما به دو بار تمرین در روز عادت کرده بودیم برای اینکه رقابت خیلی سخت بود.»

ولی حالا، استعدادهای مدرن به اندازه شاراپووا و دیگر ستاره‌های نسل قبل انگیزه دارند؟

به قول دارن کیهیل، مربی سیمونا هالپ حالا همه چیز فرق کرده: «ورزش به طور کلی در ۱۵ یا ۲۰ سال گذشته تغییرات زیادی داشته به خاطر شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، پول و فشارها. هر بازیکن طراز اولی یک مینی‌بوس آدم همیشه اطراف خود دارد و این فشار را خیلی بیشتر از قبل می‌کند.»

دنیای دیجیتال واقعا تأثیر منفی گذاشته، ستاره‌های امروز انرژی زیادی را صرف آن می‌کنند و می‌خواهند تصویر درستی از خودشان ارائه کنند. علاوه بر آن آسایش زیادی برای هر یک از ۱۰ نفر اول وجود دارد که سالانه به تنهایی از جوایز ۴ میلیون پوند درآمد دارند با آنکه ممکن است هیچ گرند اسلمی نبرند. شاید گاف، اوزاکا و بقیه روی دست این غول‌ها بلند شوند و هژمونی قدرتمندی در تاریخ تنیس ایجاد کنند اما این چالش کوچکی نیست چون نسلی که حول و حوش دهه ۸۰ میلادی به دنیا آمده، چه مرد، چه زن، سطح توقعات را خیلی بالا برده. در مجموع شاید هیچ وقت به آنها نرسند.

منبع: تلگراف